[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال دهم، شماره سی و هفتم، بهار ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۸۵ – ۱۰۵

تأثیرپذیری زمامداری شاه عباس اول صفوی از تنجیم

محمود مهمان نواز[۱]

چکیده

تنجیم و احکام آن همواره در تاریخ ایران از جایگاهی مهمی برخوردار بوده‌است. آگاهی دادن از آینده یکی از کارکردهای مهم و اصلی تنجیم بود. چنین خاصیتی سـبب توجـه بیشتر پادشاهان به آن می‌شده‌است. در بین شاهان صفوی (حک. ۹۰۷–۱۱۳۵) به‌ویـژه در دوره شاه‌عباس‌اول (حک. ۹۹۶–۱۰۳۸) تنجیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. مسئله اصلی پژوهش این است که تنجیم و منجمین چه تأثیراتی در حکومـت شـاه‌عبـاس‌اول داشته‌اند؟ این پژوهش بر اساس داده‌های تاریخی نشان می‌دهد برخلاف تصور رایج در میان محققان، شاه‌عباس‌اول خردگرا نبوده بلکه به صورت کاملاً افراطی از آغاز تا انجام پادشاهی، تحت تأثیر منجمین و احکام نجومی بوده‌است. افراد مـورد وثـوق شـاه بـرای مشورت در امور نظامی، سیاسی، معماری، تفریحات و نظـایر اینهـا، مـنجم بـوده و شـاه بدون نظر مثبت آنها از انجام دادن هر کاری پرهیز می‌کرد. به نظـر مـی‌رسـد عـواملی چون تلقین، برخی پیش‌گویی‌های درست منجمین، بی‌اعتمادی به اطرافیان و بـه طـور کلی نامشخص بودنِ آینده حکومت، در تأثیرپذیری شاه‌عباس از تنجیم و احکام نجومی مؤثر بوده‌است.

کلیدواژه‌ها: تنجیم، سعد و نحس، شاه‌عباس‌اول، علم در دوره صفوی، نجوم.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه یاسوج. mehmannavaz86@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۲

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

درآمد

انسان‌ها همواره به دنبال کشف ناشناخته‌ها بوده‌اند. آگاهی از آینده یکی از این ناشناخته‌ها بود. انسان‌ها برای تسلط و آگاهی یافتن از آینده به راه‌های مختلف چون رمالی، تفال و تنجیم توسل می‌جستند. در این میان تنجیم از استقبال بیشتری نسبت به دیگر روش‌ها برخوردار بود. اعتقاد عامه بر آن بود که سرنوشت آنها در آسمان‌ها رقم می‌خورد، بنابراین برای آگاهی از آن باید به علم نجوم (ستارگان و افلاک) مجهز شد. چنین دیدگاهی سبب تقویت حرفه منجمی شد.

افراد هر اندازه دارای تمکن مالی بیشتری بودند، می‌توانستند به همان نسبت از منجمان ماهرتری استفاده کنند. شاهان به عنوان رأس حرم جامعه ایرانی همواره در دربار خود از منجمان زیادی برای آگاهی از مسائل مختلف استفاده می‌کردند. در تاریخ ایران استفاده حاکمان از منجمین سابقه‌ای طولانی دارد. البته میزان وابستگی و اعتقاد این حاکمان به منجمین و احکام نجومی متفاوت و دارای نوسان بود. برخی اعتقاد افراطی و عمیق داشته و عده‌ای نیز از میزان باور کمتری نسبت به منجمین برخوردار بودند. تنجیم در برخی از حکومت‌های ایران دارای اهمیت بالایی بود به گونه‌ای که حکومت‌ها برای منجمین و ابزار آلات نجومی بودجه‌ای اختصاصی مقرر می‌کردند. صفویان از جمله حکومت‌هایی بودند که در آن تنجیم و منجمین از ارج و اهمیت خاصی برخوردار بودند. در این دوره شخصی به نام منجم‌باشی وجود داشت که همواره همراه و ملازم شاه بود. شاهان صفوی بدون حضور منجم کاری انجام نمی‌دادند و برخی از شاهان آن سلسله همیشه چند منجم را در رکاب خود به عنوان ملازم در اختیار داشتند.

حکومت صفویان در دوره پادشاهی شاه‌عباس‌اول در اثر تلاش‌های شاه، مشاوران و فرماندهانش به شکوفایی رسیده بود. شاه عباس به عقل‌گرایی مشهور بود. با این حال توجه افراطی این شاه به منجمین و توصیه‌پذیری شدید وی از احکام نجومی با عقل‌گرایی در تضاد است. وقوع برخی اتفاقات مانند کناره‌گیری از قدرت و تغییر پایتخت به سبب پیش‌گویی‌های منجمین، شاه‌عباس را از دیگر شاهان صفوی، در میزان

تأثیرپذیری از احکام نجومی متمایز کرده است. پیش‌فرض پژوهش این است که شاه‌عباس به سبب عوامل روانی، همه امور حکومتی را منوط به نظر منجمین کرده بود. اینکه شاه بیشتر در چه حوزه‌هایی از منجمین تأثیر می‌پذیرفت؟ و این تأثیرپذیری تحت تأثیر چه عواملی بوده‌است؟ سؤالاتی است که این مقاله به دنبال پاسخ به آنهاست.

پیشینه پژوهش

تأثیر احکام نجومی در دوره شاه عباس در برخی از تحقیقات به صورت پراکنده مورد توجه قرار گرفته است اما تاکنون تحقیقی مستقل که صرفاً به بررسی نقش احکام نجومی و منجمین در تصمیمات و حکومت‌داری شاه عباس پرداخته باشد، به انجام نرسیده است. بهزاد کریمی (۱۳۹٦) پنج مقاله درباره زمان و کیهان در عصر صفویه را در قالب تحقیقی با عنوان «زمان‌نگاری و کیهان باوری در عصر صفویه» به انجام رسانده است. تلاش محقق در این اثر دربرگیرنده کل دوره صفویه است. کریمی در مقاله دوم به برخی تأثیرپذیری‌های شاه‌عباس از احکام نجومی به صورت مختصر و در بخش سوم نیز به صورت مفصل به وجوه مختلف ماجرای «یوسفی ترکش‌دوز» اشاره داشته است. نصرالله فلسفی (۱۳٤۷) در فصل یازدهم از جلد دوم کتاب *زندگانی شاه‌عباس‌اول* به برخی از موارد توجه شاه‌عباس به مسئله اخترشناسی پرداخته است. بخش زیادی از این فصل کتاب، به ماجرای «یوسفی ترکش‌دوز» اختصاص دارد. فلسفی بیشتر در پی تصدیق اعتقادات نجومی شاه‌عباس برآمده و فقط بخش اعتقاد شاه عباس به جادوگری را خرافه می‌داند. در این پژوهش‌ها علل توجه شاه‌عباس به دستورات و مشورت‌های منجمین مغفول مانده است. زهرا اسفندیاری‌مهنی (۱۳۹۷) مقاله‌ای با عنوان «جایگاه منجمان در دوره صفویه» به رشته تحریر درآورده که بیشتر به جایگاه منجم‌باشی و همچنین به معرفی برخی از منجمان مهم آن دوره پرداخته‌است. همانگونه که از عنوان این پژوهش پیداست، او جایگاه منجمان در کل دوره صفویه را مورد بررسی قرار داده‌است. همچنین رضا صحت‌منش و زهرا اسفندیاری‌مهنی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی انقلاب نجومی و نجوم در عصر صفوی» ضمن بررسی انقلاب نجومی در اروپا به وضعیت نجوم در دوره صفویه پرداخته‌اند. در این پژوهش به مراکز

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

نجوم و آثار منجمین دوره صفویه پرداخته شده و در بخشی از آن بـه اهمیـت نجـوم و کارکرد آن نزد شاهان صفوی توجه شده‌است. با این حال آنها به اهمیت این موضوع در دوره شاه‌عباس‌اول توجه نکرده‌اند. در نهایت ابراهیم رایگانی و مهسا ویسی (۱۳۸۸) در مقاله »پژوهشی در وضعیت نجوم و جایگاه منجمان دوره صفویه بر اساس سفرنامه‌های سیاحان خارجی« صرفاً از دیدگاه سفرنامه‌های دوره صفویه، به صورت مختصر نگـاهی به وضعیت نجوم و منجمین در آن دوره داشته‌اند.

اهمیت و کارکرد تنجیم در میان ایرانیان

کاربرد تنجیم و احکام نجومی در میان ایرانیان سابقه طولانی دارد. در این مبحث بـه تعریف برخی مفاهیم و کاربردهای مختلف تنجیم و احکام نجـومی در جامعـه ایرانـی پرداخته می‌شود.

نجوم مطالعه اجرام آسمانی است و تنجیم بررسی تأثیر ستارگان و اجرام آسمانی بـر حوادث آینده است که بـه آن احکـام نجـوم نیـز گفتـه مـی‌شـود (نلینـو، ۲۳). از نظـر ابن‌خلدون علوم چهار قسم هستند که قسم چهارم آن علم تعیین اشکال فلک‌ها، موسوم به هیئت است و یکی از فرعیات این علم، احکام نجوم می‌باشد (ابن‌خلدون، ۱۰۰۱/۲– ۹۹۹). فارابی معتقد است که نجوم دو شـاخه دارد: علـم احکـام نجـوم و علـم نجـوم تعلیمی. علم احکام نجومی، دلالت‌های کواکب بر حوادث آینده و حال و گذشته است. از نظر فارابی، انسان می‌تواند به‌وسیله علم احکام نجوم از حوادثی کـه در آینـده پـیش خواهد آمد باخبر شود (فارابی، ٨٤). در این پـژوهش احکـام نجـوم و تنجـیم بررسـی شده‌است.

تنجیم و احکام نجومی در حوزه‌های مختلف سیاسـی و اجتمـاعی کـارایی داشـته و مورد استفاده همه طبقات بوده‌است. تنجیم در حوزه پزشکی کاربرد داشـت. در بیشـتر منابعی که از قرون اولیه اسلامی تا زمان مورد پژوهش درباره تنجیم و احکـام نجـومی نگاشته شده، به رابطه طب و احکام نجومی اشاره شده‌است (نک. بیرونـی، ۳۳۰–۳۲۹؛ گنابادی، بیشتر صفحات). احکام نجومی در حوزه دستورات دینی نیز نفوذ کرده و مورد توجه فقه اسلامی قرار داشت تا جایی که تنجیم و احکام نجومی در زمره علومی قـرار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

داشتند که اجتهاد متوقف بر آن بود (سمیعی، ۳۱). همچنین منجمین و احکام نجومی به صورت جدی در امور سیاسی مؤثر بودند و همواره در دربار پادشاهان ایران حضوری مستمر داشته‌اند. این امر را می‌توان ناشی از ترس و تردید همیشگی انسان از وقایع ناشناخته و ابهام در مورد آینده دانست. ضمن آنکه شاهان همواره برای موفقیت‌ها، تسلط بر اوضاع و دفع خطرات به یک نیروی فوق بشری و ماورایی احساس نیاز می‌کردند.

تنجیم در میان تمامی سطوح اجتماع رسوخ کرده بود. اگر ساعات سعد و نحس تعیین شده توسط منجمین و باورهای القایی منجمین به افراد جامعه اجازه انجام کارهای شخصی و عمومی را نمی‌داد، دست به کاری نمی‌زدند. اولئاریوس می‌گوید مردم ایران «به ستاره شناسی یا خواندن اوضاع از افلاک بیش از آنچه که اهمیت دارد ارزش می‌نهند» (اولئاریوس، ۳۱۱). شاردن نیز به کرات از اهمیت احکام نجومی در میان عامه مردم و باور عمیق مردم به باورهای خرافی نجومی سخن به میان می‌آورد «هر آنچه از نیک و بد پیش آید در نتیجه گردش موافق یا مخالف اجرام سماوی می‌پندارند» (شاردن، ۳/ ٤٥٥). همچنین وی می‌نویسد ایرانیان برای انجام هرکاری ابتدا به تقویم نگاه می‌کنند و قبل از رسیدن ساعت سعد، هیچ کاری انجام نمی‌دهند (همان، ۱۰۱۰). مردم بر اساس خرافات ناشی از اعتقاد به تنجیم برخی روزها را نحس دانسته و کار مهمی در آن روز انجام نمی‌دادند. همچنین بزرگان کشور نیز قبل از مشورت با منجم لباس نو نمی‌پوشیدند، حمام و مسافرت نمی‌رفتند (اولئاریوس، ۳۱۲؛ تاورنیه، ٦١٥).

به هر روی در جامعه‌ای که به دلیل سطح پایین دانش، رابطه علی و معلولی امور چندان اهمیت نداشت، افراد برای آگاهی از علل واقعی رویدادها، به باورهای خرافی و غیرمنطقی روی می‌آوردند. این مسئله در جامعه ایران عصر صفوی امری فراگیر بود. طبقه حاکمان نیز به شدت متأثر از این باورها بودند به نحوی که می‌توان مدعی بود بر اساس سخن مشهور «النّاسُ عَلی دِینِ مُلُوکِهِم» یکی از عوامل اهمیت باورهای نجومی در میان مردم عادی تبعیت از حاکمان بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

نقش و جایگاه منجمین در دوره صفویه

اهمیت و نقش نجوم در زندگی مردم دوره صفویه سبب اهمیت یـافتن منجمـین در این دوره شده‌بود. به گونه‌ای که منجمین از مهمترین افراد دربار به حساب مـی‌آمدنـد. شغل منجمی به دلیل اعتقاد عمومی که به آنها وجود داشت، از جمله شغل‌های پردرآمد محسوب می‌شد. این عوامل سبب گرایش بسیاری به ایـن حرفـه شـده‌بـود. شـاردن از مخارج زیاد دربار برای منجمین سخن به میـان مـی‌آورد. همچنـین او شـمار منجمـین اصفهان را به اندازه ستاره‌ها می‌داند (شاردن، ۳/ ۹۸٦). بنا بر نوشته اولئاریوس منجمین، علم تنجیم را به «دختری ثروتمند که به یاری او می‌توان به مکنت و ثروت رسید و نان خورد» تشبیه کرده‌اند (اولئاریوس، ۳۱۰). ظاهراً بسیاری از منجمین نیز به آگـاهی‌هـایی که از آینده می‌دادند، اعتقادی نداشتند و صرفاً برای امرار معاش و کسب ثروت اقدام به چنین کارهایی می‌کردند.

منجمین را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود؛ یک گروه در کوچـه بـازار بسـاط پهـن کرده و مردم عادی را از وقایع و حوادث آینده و همچنین سـعدی و نحسـی سـاعات، آگاه می‌کردند. این گروه از منجمین را بیشتر می‌توان منجمین خرده پا نـام نهـاد. گـروه دیگر، منجمین زبده‌ای بودند که در دربار و در خدمت شاه بودند و در رأس این گروه، منجم‌باشی قرار داشت. به نظر می‌رسد تعداد گروه دوم زیـاد نبـود امـا منـابع از شـمار بسیار منجمینی که در خدمت شاه بودند، یاد می‌کنند (کمپفر، ۱۰۲).

تقریباً همه ناظران خارجی از اهمیت منجم‌باشی و منجمین نزد شاهان صفوی سخن به میان آورده‌اند. آنها بر این عقیده بودند شاه، در ایران هرگز بدون نظر مـنجم‌باشـی و منجمین دست به اقدامی نمی‌زند و شاه بیشتر از روی دستورات او پادشـاهی مـی‌کنـد (تاورنیه، ٥٧٦؛ اولئاریوس، ۳۲۷؛ کمپفر، ۱۰۲؛ کارری، ۱۹۳؛ دلاواله، ٦١ و ۹۸). اهمیـت منجمین به گونه‌ای بوده که می‌توانستند به راحتی رأی شاه را تغییر داده و او را از انجام هر کاری منصرف کنند (نک. شاردن، ۱۰۳۰/۲). سه الی چهار منجم همواره در کنار شاه حضور داشتند که وظیفه آنها تعیین ساعات سـعد و نحـس بـرای شـاه بـود. در زمـان شاه‌عباس‌اول سه منجم مشهور (ملاجلال منجم، ملامظفرگنابادی و پسرش محمدشفیع) همیشه در خدمت او حضور داشتند و از اهمیت بالایی برخوردار بودند. تاورنیه کـه در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

اصفهان مهمان خانه ملاجلال بوده از جایگاه بالای او نزد شاه عباس سخن به میان می‌آورد (تاورنیه، ۹۸).

تأثیر احکام نجومی در کارهای نظامی شاه‌عباس

شاه‌عباس‌اول در امور نظامی از موفق‌ترین شاهان صفوی محسوب می‌شود. وی در ابتدای حکومت با شورش‌های داخلی، هجوم ازبکان از شرق و عثمانی از غرب مواجه بود. محققان به جنبه‌های گوناگون نظامی‌گری شاه‌عباس پرداخته‌اند. یکی از مواردی که کمتر بدان توجه شده، نقش منجمان و مسائل نجومی در تصمیمات نظامی شاه‌عباس است. شاه‌عباس باوجود آنکه از نبوغ نظامی بالا و فرماندهان برجسته‌ای برخوردار بود، در امور نظامی شدیداً متأثر از طالع‌بینی و پیش‌گویی منجمان بود. شاه‌عباس در حمله به قزوین برای تصاحب قدرت، از منجمین خواست ساعت سعد را برای این کار معین کنند و او در ساعتی سعد راهی این سفر جنگی شد (ترکمان، ۱/ ٥٧٤). این نخستین عملیات نظامی شاه‌عباس بود که منجر به پیروزی و بر تخت نشستن وی شد.

ملاجلال اصلی‌ترین منجم شاه‌عباس محسوب می‌شد و شاه همواره رأی او را در نظر می‌گرفت. منجم‌یزدی در خلال وقایع ۹۹۹ به دو واقعه نظامی اشاره دارد که نشانگر تأثیر عمیق شاه از منجمین است. حادثه اول، دولتیارخان سیاه‌منصور از امرای نامدار شاه طهماسب (۹۸٤-۹۳۰) که پیش از این در خدمت حمزه‌میرزا بود، در این سال در ابهر، زنجان و درجزین از اطاعت شاه‌عباس سرپیچی می‌کند. حسین‌خان‌شاملو از طرف شاه، دولتیارخان را محاصره کرد. دولتیار مقاومت کرد و سپاه حسین‌خان قادر به فتح قلعه نبود. شاه‌عباس، ملاجلال را احضار و از او می‌خواهد بر اساس رمل نشان دهد که آیا حسین‌خان موفق خواهد شد؟ منجم در جواب می‌گوید: «غلبه حسین‌خان بر او در نظر من بسیار دور می‌نماید». شاه در ادامه می‌پرسد که اگر خود شاه عازم مقابله شود چه نتیجه‌ای رخ می‌دهد که ملاجلال می‌گوید در روز دوشنبه نهم رمضان آن قلعه فتح خواهد شد. شاه بنابر اعتماد به پیش‌گویی ملاجلال در روز موعود نزدیک غروب با تعدادی اندک برای بازرسی اوضاع به نزدیکی قلعه می‌رود و در همین حین دولتیارخان به سبب آنکه احتمال حمله را نمی‌داد با دو سه نفر از قلعه خارج می‌شود

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

که توسط شاه و نیروهای همراه او دستگیر و غائله پایان می‌یابد (منجم‌یزدی، ۱۱۰). این بی‌احتیاطی شاه می‌توانست به خطر جدی برای او تبدیل شود. دلیل مهمی که برای این بی احتیاطی شاه می‌توان ذکر کرد، اعتقاد عمیق او به پیش‌گویی ملاجلال است.

حادثه دوم: در سال ۹۹۹ ازبکان به خراسان حمله می‌کنند و فرهادخان حاکم آنجا منتظر رسیدن شاه بود. اما ملاجلال مانع از رفتن شاه به جانب خراسان می‌شود و فرهادخان نیز به دلیل نیامدن نیروی کمکی از آنجا فرار کرد و در نتیجه نیشابور و اسفراین توسط ازبکان تصرف می‌شوند. شاه، فرهادخان را به دلیل این فرار بازخواست می‌کند که وی در جواب می‌گوید علت فرار را از ملاجلال بپرسد که مانع حضور شاه در خراسان شده‌است. منجم در جواب گفت که فردا شاه مریض خواهدشد؛ «خان راضی بودند که شاه در خراسان بوده این حالت روی نماید و اوزبک زور آورد یا باید گریخت یا در قلعه متحصن باید شد» (همان، ۱۱۱). ظاهراً در زمان موعود شاه نیز دچار بیماری شده و بعد از اندکی شفا می‌یابد.

در ماجرای دوم در اثر نفوذ بیش از حد منجم بر روی شاه و توجه افراطی شاه به پیش‌گویی‌های وی، قسمتی از خراسان از دست رفت و تعدادی از نیروها و فرماندهان صفوی کشته شدند. آیا در صورت عزیمت شاه به خراسان حتما این بیماری بر وی مستولی می‌شد؟ آیا در صورت وقوع بیماری امکان مقابله و غلبه بر ازبکان به حداقل می‌رسید؟ آیا در صورت توجه به پیش‌گویی ملاجلال امکان اعزام نیروی کمکی بدون حضور شاه به خراسان وجود نداشت؟ به نظر می‌رسد اختلافاتی میان فرهادخان و ملاجلال وجود داشته که این اختلافات در سال ۱۰۰٤ حتی موجب قهر ملاجلال شد، و شاه شخصاً به دلجویی از ملاجلال پرداخته است (منجم‌یزدی، ۱٤۳-۱٤۲). شاید بتوان اختلاف میان این دو موجب عدم ارسال نیروی کمکی به فرهادخان شده باشد و اصولاً ارتباطی با احکام نجومی نداشته باشد.

سال۱۰۱۲ از نقاط عطف در دوران پادشاهی شاه‌عباس است. در این سال او موفق شد تبریز را از دست عثمانی‌ها خارج کند. شاه برای رسیدن به این موفقیت خود را بی‌نیاز از منجمین ندید. زمانی‌که شاه قصد عزیمت به تبریز داشت، ملاجلال را احضار و از او خواست تا ساعت سعد برای حرکت به جانب قزوین تعیین کند (حسینی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

استرآبادی، ۱۷۵). ملاجلال نیز «ساعتی سعد که مسعود ناظر و از عیوب نجومی مبرا و با کواکب طالع همایون موافق بود اختیار نمود» (ترکمان، ۲/ ۱۰۲۹). ظاهراً شاه‌عباس طی یک فریب نظامی به تبریز حرکت کرد و غیر از چهار پنج نفر از نزدیکان، کسی از قصد شاه اطلاع نداشت. به گزارش منابع گویا مولاناصبوری، منجم وکیل‌پاشا حاکم عثمانی تبریز نیز از روی تفال دریافته بود که شاه صفوی قصد تصرف تبریز دارد (حسینی‌استرآبادی، ۱۷۵؛ ترکمان، ۲/ ۱۰۳۰).

در سال۱۰۲۷ نیروهای عثمانی با فرماندهی خلیل‌پاشا تبریز را اشغال و نیروهای صفوی به فرماندهی امامقلی‌خان و قرچقای‌خان به سمت اردبیل عقب نشستند. شاه تصمیم به عقب‌نشینی داشت. او دستور داد باروبنه را به مازندران و گیلان بفرستند. همزمان شاه‌عباس در مطالعه پیش‌گویی‌های سالانه ملامظفرگنابادی، متوجه شد اگر در آن زمان نیروی قزلباش را وارد جنگ کند، پیروز خواهد شد (جنابدی، ۸٦۹). بنابراین ملامحمدشفیع منجم پسر ملامظفر به نزد شاه رفت تا ساعت سعد را برای حمله مشخص کند (همان، ۸٦۹). زمانی‌که ساعت به درجه سعد از دید میرزاشفیع رسید دستور حمله صادر و منجر به پیروزی قزلباشان شد. به این ترتیب پیش‌گویی نجومی منجمین سبب شد تا شاه و نیروهای صفوی از یک شکست تقریباً حتمی در برابر عثمانی نجات پیدا کنند. شاه با اعتقاد عمیق به پیش‌گویی منجمین، از عقب‌نشینی به شمال ایران منصرف شد و به نیروهای قزلباش و فرماندهان دستور داد تا منجم دستور نداده حتی اگر نیروهای عثمانی جنگ را شروع کرده باشند، دست به اقدامی نزنند. این دو مورد نشان از اعتماد ویژه شاه به پیش‌گویی منجمین دارد. در واقع شاه به نظرات فرماندهان برجسته‌اش، کمترین توجه را داشت و صرفاً براساس پیش‌گویی منجم تصمیم به مقاومت گرفت. به هر روی، پیش‌گویی ملامظفر تنها عامل این پیروزی نبود زیرا در این پیروزی عوامل مهم دیگری چون موقعیت نه چندان مناسب خلیل‌پاشا در تبریز و تدابیر نظامی فرماندهان برجسته صفوی نیز مؤثر بودند. با این همه این پیش‌گویی تبدیل به قوت قلب شاه و سپاهیان شد.

از دیگر موارد استفاده شاه‌عباس از منجمان در عملیات نظامی، به محاصره بغداد توسط عثمانی در سال ۱۰۲٤ برمی‌گردد. بغداد در این سال به صورت جدی محاصره

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

شد و هر لحظه امکان سقوط آنجا وجود داشت. شـاه از توانـایی مقاومـت و موفقیـت اهالی قلعه دچار تردید شده‌بود، اما منجمین به وی اطمینان دادند عثمانی‌ها در این امـر توفیقی نخواهند داشت. حتی مولانا محمدطاهر یزدی جهت اثبات ادعای خـود از شـاه اجازه گرفت که راهی قلعه بغداد شود (ترکمـان، ۳/ ۱۷۳۰-۱۷۲۹). ایـن جریـان از دو جهت دارای اهمیت است. یکی اینکه شاه پس از دلگرمـی منجمـین تصـمیم بـه ادامـه مبارزه می‌گیرد. دوم اینکه نفوذ این خبر در میان افراد محاصره شده در قلعه بغداد سبب مقاومت و ایستادگی بیشتر آنها و در نهایت سبب موفقیت نیروهای مدافع صفوی شـد. به هر روی توجه به نظرات منجمین یک شمشیر دو لبه بود که هـم مـی‌توانسـت مـانع موفقیت و هم سبب پیروزی شود.

شاه‌عباس در زمان عملیات نظامی بسیار حساس بود که حرکت نیروهـا و حملـه در ساعتی سعد رخ دهـد (نـک. افوشـته‌ای‌نطنـزی، ٥٨٦؛ جنابـدی، ٧٥٣ -٦٧٤؛ ترکمـان، ١٤٨٠/٢- ١٠٤١-٩٦٥-٨٠٠-٦٩٣). چنین حساسیتی در پاره‌ای مواقع از جمله در مـورد شکست از ازبکان و تصرف خراسان توسط آنها در سال۹۹۷، سبب شکسـت نیروهـای صفوی می‌شد. به طورکلی فارغ از نتیجه، تأثیر تنجیم در تصمیمات نظامی شاه‌عباس از نکات منفی دوران زمامداری او بود و حتی به نـوعی کارنامـه درخشـان نظـامی وی را دچار نقصان کرده است. ارجحیت دادن نظر منجمـین بـر فرمانـدهان برجسـته نظـامی، خطایی است که شاه‌عباس بارها مرتکب شد و در تمام دوران زمامـداری ایـن رویـه را ادامه داد.

تأثیر احکام نجومی در کناره‌گیری شاه‌عباس

اعتقاد شاه‌عباس‌صفوی به پیش‌گویی منجمین را می‌توان در کناره‌گیـری از حکومـت بر اساس نظر منجمین مشاهده کرد. شاه‌عباس در این حادثه به صورت خودخواسته بـه نفع یکی از درویشان فرقه نقطویه از سلطنت کنـاره گرفـت (بـرای بررسـی ابعـاد ایـن ماجرا، نک. کریمی، ١٠٤-٧٩). مسئله قابل ذکر در اینجا تأثیرپذیری شاه و اطرافیان وی از یک پیش‌گویی نجومی است. این پیش‌گویی مبتنی بر تغییـرات و تحـولات مهـم در پایان و آغاز هر هزاره است. بنابر روایت ملاجلال در سال۱۰۰۱ (منجم‌یـزدی، ۱۲۲) و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

براساس روایت ترکمان در سال ۱۰۰۲ (ترکمان، ۲/ ۷۴۸-۷۴۵) شاه‌عباس صفوی، سلطنت را به یوسفی‌ترکش‌دوز واگذار کرد. بنا بر نوشته ملاجلال و ترکمان این واقعه بر اساس پیش‌گویی ملاجلال انجام شده‌است (منجم‌یزدی، ۱۲۲؛ ترکمان، ۲/ ۷٤٦) اما نطنزی آن را براساس پیش‌گویی خود یوسفی‌ترکش‌دوز می‌داند (افوشته‌ای‌نطنزی، ۵۲۱). ترکمان می‌نویسد: «در این سال منجمان القاء کردند که آثار کواکب و قرانات علوی و سفلی دلالت بر افناء و اعدام شخصی عظیم‌القدر از منسوبان آفتاب که مخصوص سلاطین است می‌کند و محتمل است که در بلاد ایران باشد و از زایچه طالع همایون استخراج نموده بودند که تربیع نحسین در خانه طالع واقع شده اختر طالع در حضیض زوال و وبال است و مولاناجلال‌الدین منجم‌یزدی...آن نحوست را بدین تدبیر دفع نمود که حضرت‌اعلی در آن سه روز که معظم تأثیر قران و تربیع نحسین است خود را از سلطنت و پادشاهی خلع نموده شخصی از مجرمان را که قتل برو واجب شده باشد به پادشاهی منسوب سازد و در آن سه روز سپاهی و رعیت مطیع فرمان او باشند که ما صدق امر پادشاهی از و به فعل آید و بعد از سه روز آن مجرم را به شحنه نحس اکبر قران و جلاد حادثه دوران سپارند که به قتلش پردازند» (ترکمان، ۲/ ۷٤۷-۷٤٦). بنا بر نوشته منابع در مدت سه روز تمام امور مملکت در اختیار یوسفی بود و شاه‌عباس در این سه روز هیچ اقدام شاهانه‌ای انجام ندادند و بعد از سه روز یوسفی را از تخت به زیر آورده به قتل رساندند (منجم‌یزدی، ۱۲۲؛ ترکمان، ۲/ ۷٤۷ ؛ قزوینی، ٤۱؛ حسینی‌استرآبادی، ۱٦۰).

در این عمل شاه‌عباس ممکن است دلایلی چون نقشه وی برای حذف نقطویان و یا هر طرز تفکر منجی‌گرایانه موازی با ایدئولوژی صفویان مطرح شود. اما واقعیت آن است قانع‌کننده‌ترین دلیل برای این عمل شاه، اعتقاد کامل و راسخ وی نسبت به احکام نجومی است. کناره‌گیری از تخت شاهی و واگذاری همه امور به دیگری شمشیر دو لبه‌ای بود که می‌توانست خطر جدی برای سلطنت شاه ایجاد کند. از این‌رو ملاجلال بانی این طرح از ترس آنکه مبادا شاه جدید (یوسفی) بخواهد او را به‌خاطر این طرح به قتل برساند تا پایان سه روز در گوشه‌ای خزیده و خود را هویدا نکرد (ترکمان، ۲/ ۷٤۷؛ قزوینی، ٤۱). این امر نشانه تبعیت بی‌چون و چرای ملازمان از شاه جدید

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

بوده‌است. بدون شک خط قرمز همه پادشاهان در تاریخ تاج و تخت آنان بود؛ به گونه‌ای که بسیاری از شاهان برای حفظ آن از هیچ عمل شنیعی رویگردان نبودند. شاه‌عباس نیز برای بدست آوردن و حفظ تخت شاهی، بسیاری از نزدیکان خویش را قربانی کرد. اما در این مقطع به توصیه منجمین، حکومت را به یکی از مخالفان خویش واگذار کرد.

تأثیر تنجیم در معماری و انتقال پایتخت

در دوره شاه‌عباس‌اول معماری صفویه اوج رسید. بسیاری از آثاری که از آن دوره برجای مانده ساخته دوره شاه عباس است. شاه‌عباس در معماری نیز مانند سایر امور متأثر از احکام نجومی بود. در حمله شاه عباس به تبریز برای بازپس‌گیری آن شهر از دست عثمانی‌ها، قلعه تبریز ویران شد. به دلیل ترس از تهدیدات عثمانی‌ها، شاه عباس در سال ۱۰۱٤ تصمیم به تعمیر قلعه تبریز گرفت. در این راستا «منجمان دقیقه‌شناس ساعتی سعد جهت بنای قلعه تعیین کردند» (ترکمان، ۲/ ۱۱۰۸) سپس معماران شروع به احیای قلعه کردند.

در سال ۱۰۲۰ نیز دو بنای معماری بر اساس تشخیص و نظر منجمان ساخته شد: یکی ساخت عمارت فرح‌آباد در مازندران (جنابدی، ۸٤۰)، و دومی ساخت مسجدشاه یا مسجدعباسی در ضلع جنوبی میدان نقش‌جهان بود (ترکمان، ۲/ ۱۳۷۰؛ منجم‌یزدی، ٤۱۲).

تغییر پایتخت صفویان در سال ۱۰۰٦ از قزوین به اصفهان نیز متأثر از منجمین بود (منجم‌یزدی، ۱٦۱؛ ترکمان، ۲/ ۸۷۱). دلایل متعددی از سوی محققان برای انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان بیان شده‌است (نک. یزدی، ٤٥-٤۲؛ لاکهارت، ٤۱٥-٤۱۳؛ Roemer, 138-163) که در اینجا هدف پرداختن به همه دلایل نیست اما موردی که کمتر بدان توجه شده، تأثیرپذیری شاه‌عباس از احکام نجومی در تغییر پایتخت است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل شاه‌عباس برای تغییر پایتخت، تأثیرپذیری از منجمان بود. مشورت‌های متعدد شاه با منجمان در ریزترین و کوچکترین کارها به گونه‌ای بود که نمی‌توان باور داشت شاه در این امر مهم از منجمان تأثیر و مشورت نگرفته باشد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

شاردن در این باره آورده است: «برخی نیز آورده‌اند که چندتن از اخترگران وی را آگاه کرده‌اند اگر مانند پدران خود در قزوین بماند حوادث ناگواری در کمینش خواهد بـود» (شاردن، ۲/ ٤٦٣). گرچه این نظر شاردن در منابع ایرانـی آن عصـر بازتـابی نداشـته و شاردن نیز منبع خود را ذکر نکرده اما آنچه که مشخص است این خبر در میان بوده کـه شاه با توصیه منجمان دست به چنین اقدامی زده است. طاهری نیز عمل شاه عبـاس را متأثر از توصیه منجمان می‌داند (طاهری، ۳۸۸-۳۸۷). به نظر می‌رسـد عـدم مانـدگاری پایتخت در قزوین صرفاً بنابر توصیه منجمان بوده اما در انتخاب اصفهان علاوه بر تأیید غیرمنحوس بودن آنجا توسط منجمان، ویژگی‌های جغرافیایی آن نیز مؤثر بوده‌است.

شواهد دیگر از تأثیرپذیری شاه از احکام نجومی

تعیین سعدی یا نحسی ایام و اوقات «اختیارات» نامیده می‌شد. شاه‌عباس برای ورود یا خروج از شهری و همچنین برای دیدار با افراد مختلف، دقت می‌کرد تا این اعمال در ساعات سعد روی دهند و بدون اجازه منجم هرگز قدمی بر نمـی‌داشـت. منـابع مـوارد متعددی از این وسواس شاه‌عباس را ثبت کرده‌اند (نک. منشی‌قمی، ۲/ ۹۱۲؛ ترکمان، ۲/ ۷۰۹-۹٤٤ -۱۰۸۸-۱۲٤۳-۱٤۱۹-۱۳۸۵؛ منجم‌یزدی، ۳۰۰-۲۹۹-٤٤۲).

یکی از مواردی که شاه دقت داشت در ساعت سعد رخ دهد حضور یافتن افـراد بـه خدمت شاه و به اصطلاح «پایبوسی» وی بود. ظاهراً پایبوسـی از مسـائل مـورد توجـه ملاجلال بود و در اثر تاریخی وی نیز بیشتر از سایر منابع انعکـاس یافتـه اسـت (نـک. همان، ۹۳-۱۰۷-۲۹۹-۳۰۰). به نظر می‌رسد علت دقت منجمین در این بـاره، ناشـی از ترس آنها نسبت به آسیب دیدن وجود مقدس شاه توسط افراد غیرقدیس بود. از این‌رو برای رفع و دفع بدشگونی افراد نهایت دقت می‌شد تا افراد در ساعت سعد به حضـور شاه مشرف شوند.

تنجیم در قتل صفی‌میرزا (۱۰۲٤) پسر بزرگ شاه و ولیعهد وی نیز نقش داشته است. ظاهراً یکی از جاسوسان به شاه خبر می‌دهد که صفی‌میرزا به همـراه گروهـی در حـال انجام توطئه است تا حکومت را در اختیار بگیرد. ملامظفرمنجم نیز قبلاً پیش‌گویی‌هایی در این باره انجام داده بود. شاه که به پیش‌گویی‌های ملامظفر اعتمـاد و اطمینـان کامـل

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

داشت و از طرفی جاسوسان نیز اخباری مبنی بر تصدیق پیش‌گویی‌های ملامظفر آورده بودند، عزم خود را برای مقابله با ولیعهد جزم کرد و به حیات وی پایان داد (جنابـدی، ۸۵۲-۸۵۱). گرچه می‌توان قتل صفی‌میرزا را بیشتر ناشی از خاطرات تلخ شاه از دوران نوجوانی‌اش دانست اما نمی‌توان از نقش ملامظفر در این تصمیم غافل بود. شـاید اگـر پیش‌گویی‌ها و تحریکات این منجم نبود شاه دست به چنین اقـدامی نمـی‌زد. همچنـین شاه‌عباس در انتخاب سام‌میرزا به عنوان جانشین خویش، متأثر از توصیه منجمـان بـود. ظاهراً ملامحمدتقی پسر ملامظفرمنجم در این امر خطیر طرف مشورت شاه بـوده‌اسـت (ترکمان، ۳/ ۱۷۹۳-۱۷۹۲).

یکی از موارد عجیب از تأثیرپذیری شاه از احکام نجومی در حین محاصره قلعه شهر شماخی رخ داده بود. شاه دستور داد تالاری برای جمع شدن بزرگان در روز عید قربان آماده کنند. این تالار فرو ریخت و نزدیک بود شاه جان خـود را از دسـت دهـد. گویـا منجمین در این حادثه جان او را نجات دادند. ترکمان مـی‌نویسـد منجمـین بـرای دفـع نحوست «در خلوتخانه خاص آن حضـرت را دم‌بـه‌دم بـه حـرف و حکایـت مشـغول ساخته‌اند که تا انقضای معظم تأثیر حرکتی از آن حضرت واقـع نشـود و بـدین جهـت تأخیر در بیرون آمدن واقع شده‌بود که آن حالت روی داد» (ترکمـان، ۲/ ۱۲۱۱-۱۲۱۰). کریمی حادثه را به کرامت‌نمایی کیهانی تعبیر مـی‌کنـد (کریمـی، ۵۵). جالـب‌تـر آنکـه ترکمان در ادامه مدعی می‌شود که بـدون واسـطه از علیرضاخوشـنویس شـنیده اسـت، زمانی‌که شاه قصد داشت به تالار برود در خوابی فرو رفت و در خـواب بـود کـه ایـن قضیه رخ داد (ترکمان، ۲/ ۱۲۱۱). در واقع ترکمان بلافاصله گفته قبلی خود را در مورد نجات یافتن شاه توسط منجمین، نقض می‌کند. به نظر می‌رسد رویه این‌گونه بـوده کـه هر زمان برای رخدادی دلیلی منطقی یافت نمی‌شد آن را به نیروهـای مـاورایی نسـبت می‌دادند و در این راه انتساب آن به احکام نجومی ساده‌ترین گزینه بود.

نسبت دادن امور غیرعادی به منجمین مسبوق به سابقه بوده به گونه‌ای که ملاجـلال آورده است، شاه در سال ۱۰۰۸ دچار بیماری می‌شود. در مرتبه اول ١٤ روز و در مرتبه دوم ۱۸ روز تب و لرز بر او مستولی می‌شود که ملاجلال «از روی طالع به نواب کلب آستان علی وعده کرده بود که این تب ثالث ندارد» (منجم‌یزدی، ١٩٤). این پیش‌گـویی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

درست از آب درآمده بود. ملاجلال مریض نشدن شاه برای بار سوم را بـه پـیش‌گـویی خود منتسب کرده بود. به نظر می‌رسد که به دلیل اعتماد زیاد شاه بـه پـیش‌گـویی‌هـای منجمین احتمالاً این گفته ملاجلال تأثیر تلقینی بر شاه داشته است و بیماری وی تحت تأثیر این تلقین عود نکرده است. البته باید عنوان داشت دقیقاً مشخص نیسـت، بیمـاری شاه چه بود و اصولاً آیا به لحاظ پزشکی امکان عود کردن سـه بـاره آن وجـود داشـته است؟

دلایل تأثیرپذیری افراطی شاه‌عباس از احکام نجومی

شاه‌عباس از آغاز شاهی تا واپسین روزهای عمرش تحـت تـأثیر منجمـین و احکـام نجـومی بـود و همـواره منجمـین نقـش معتمـدین او را در تصـمیمات گونـاگون ایفـا می‌کردند. برخلاف تصور عمومی که شـاه‌عبـاس را عقـل‌گـرا دانسـته‌انـد، وی شـدیداً غیرعقلانی و تحت تأثیر احکام خرافی نجومی بود. شاه عبـاس بـدون مسـائل خرافـی نجومی قدم از قدم برنمی‌داشت و برای خصوصی‌ترین امور شخصی نیـز بـه منجمـین وابسته بود. در پاسخ به سؤال علـل تأثیرپـذیری افراطـی شـاه عبـاس از آراء منجمـان، نمی‌توان به یک مورد بسنده کرد و بدون تردید عوامل گوناگونی در ایـن امـر دخالـت داشتند که از مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تبعیت و تقلید از گذشتگان، بدون آنکه تفکر چندانی در این تقلید نهفتـه باشـد. روانشناسان علل گرایش انسان‌ها به مـوارد غیرعقلانـی و خرافـی را تقلیـد کورکورانـه می‌دانند، که از دوران کودکی تلقین می‌شود و تـأثیر خـودش را همیشـه نگـه داشـته و پیوسته قوی‌تر می‌شود (افشانی و احمـدی، ٦٩). وجـود همیشـگی مـنجم در دربـار و تبعیت شاهان پیشین از آراء منجمین، پیشینه‌ای است که شـاه عبـاس نیـز از آن تبعیـت می‌کند. در منابع تاریخی و ادبی موارد متعددی از تبعیت حاکمان گذشـته ایـران از آراء منجمین و حوادث نجومی ذکر شده‌است؛ صـلح کسـوف در دوره مادهـا (دیـاکونوف، ۳۹٦)؛ و موارد دیگری از تبعیت حاکمان ایران باستان از مسائل نجومی که در شـاهنامه ذکر شده‌است (فردوسی، بیشـتر صـفحات) و در دوره اسـلامی نیـز مـوارد بسـیاری از تبعیت حاکمان از آراء منجمان توسط منابع ذکر شده‌است (نک. نظامی‌عروضی، ۸۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

۲- اتفاقاتی که تصادفاً نتیجه آنها با پیش‌گویی‌های منجمین یکسان بوده سبب تقویت این ایده شد که منجمین توانایی پیش‌بینی آینده را دارند. جاهودا معتقد است تصادفی که در چنین مواردی «راهنمای آدمیان شد، در هزاران مورد دیگر به گمراهی آنها انجامید» (جاهودا، ۱۲۱). چنین پیش‌گویی‌هایی سبب شد تا شاه‌عباس در کارها، از منجمین مشورت بگیرد. در بسیاری از موارد مانند واقعه یوسفی‌ترکش‌دوز؛ نتیجه پیش‌گویی‌های منجمین نامشخص بود؛ ولی به شکلی بیان می‌شد که شاه مجاب می‌شد اگر عملی غیر آنچه منجمین القاء کرده‌اند، انجام شود، همان نتیجه‌ای که آنها پیش‌گویی کرده‌اند، روی خواهد داد.

۳- زمانی‌که انسان‌ها قادر به کشف رابطه علی و معمولی حوادث نباشند به دنبال پاسخ‌های غیرعقلانی و ماورایی برای پرسش‌های خود هستند. به این ترتیب نجوم یاری‌گر جهل انسان‌ها بود و «به هر نسبت که انسان به حقایق و واقعیات ناآشنا باشد، زمینه رویش افکار خرافی آماده‌تر می‌شود» (اکبری، ١٤). در بسیاری از موارد پیش‌گویی‌های منجمین هیچ‌گونه مبنای عقلی نداشت اما شاه‌عباس بدون توجه به این امر، پیش‌گویی‌های آنها را می‌پذیرفت. ظاهراً در جامعه آن روز حداقل در میان طبقه حاکم، عقل گرایی حاشیه قرار داشت.

٤- ابهام، تردید و ترس در مورد آینده و در واقع رازآلود بودن آینده از مواردی است که سبب گرایش انسان‌ها به پیش‌بینی آینده با استفاده از هر ابزاری می‌شود. انسان‌ها همواره در پی آگاهی از آینده بوده‌اند تا بتوانند با استفاده از علم به آینده، آن را در اختیار بگیرند و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کنند. این حس در میان افراد مهم خصوصاً شاهان به دلیل خطرات بسیاری که آنها را تهدید می‌کرد بیشتر از دیگران وجود داشت. طرز به قدرت رسیدن شاه عباس با کودتا علیه پدرش، سبب نگرانی وی از آینده و ترس از سرنوشتی مشابه او شده‌بود. این ترس و نگرانی سبب گرایش بیشتر وی برای احاطه بر اطراف خود و آگاهی از آینده شد تا بتواند قبل از آنکه اتفاقی ناگوار برای او و حکومتش رخ دهد، پیش‌دستی کرده مانع آن شود. در واقع آگاهی از آینده می‌تواند امتیازی در جهت برتری نسبت به دشمنان باشد. به عبارتی با توسل به اموری غیرعقلانی در صدد اتخاذ تصمیمی عقلانی در آینده بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

۵- فراگیر بودن استفاده از منجمین نیز می‌تواند یکی از دلایل توجه شاه‌عباس به پیش‌گویی‌های منجمین باشد. در جامعه ایران عصر صفوی از عادی‌ترین افراد تا افراد بلندپایه و شاخص برای کارهای خود به منجمین رجوع می‌کردند تا ساعات سعد و نحس را برای آنها مشخص کنند. حتی تقویم‌هایی تهیه شده بود که ساعات و روزهای نحس و سعد در آنها معین شده بودند. گسترده بودن یک امر علاوه بر عادی جلوه دادن آن، سبب مشروعیت‌بخشی آن نیز می‌شود. اعتقادات نادرستی که در میان همه گروه‌های جامعه به صورت فراگیری پذیرفته شد به سختی می‌توان آن را انکار و یا با آن مقابله کرد.

٦- تلقین به امری نیز می‌تواند نتایج مثبتی به همراه داشته باشد. به نظر می‌رسد این تلقین که در شاه‌عباس از آغاز سلطنت بوجود آمده بود سبب شد تا مشورت‌ها و احکام نجومی منجمین را مثبت و حدوث آنها را حتمی تلقی کند.

۷- در پاره‌ای موارد توسل به امور ماورایی و خرافی، ناشی از بن‌بست انسان‌ها در حل مشکلات است. بی‌ثمر بودن اتخاذ شیوه‌های مختلف در برابر مشکلات سبب توجه به امور غیرعقلانی می‌شود. برخی تأثیرپذیری‌های شاه‌عباس از احکام نجومی، به‌ویژه در امور نظامی ناشی از این امر است. برای نمونه می‌توان به بن‌بست رسیدن تلاش‌های شاه و فرماندهانش در جریان شورش دولتیارخان و همچنین محاصره بغداد توسط عثمانی‌ها، اشاره کرد.

نتیجه

برخلاف تصور عمومی که شاه‌عباس را عقل‌گرا دانسته‌اند، وی شدیداً غیرعقلانی و تحت تأثیر احکام خرافی نجومی بود. اعتقاد شاه‌عباس به منجمین و پیش‌گویی‌های آنها به حدی افراطی بوده که می‌توان آن را نمونه‌ای کم نظیر در تاریخ ایران به حساب آورد. شاه‌عباس در همه حوزه‌های حکومتی و شخصی از اولین روزهای حکومت تا هنگام مرگ متأثر از مشورت‌های منجمین بود. افراط شاه عباس در تأثیرپذیری از منجمان در پاره‌ای از مواقع سبب از دست رفتن بخشی از خاک ایران نیز می‌شد که برای جبران، شاه، فرماندهان و نیروهای نظامی سال‌ها وقت و هزینه صرف می‌کردند تا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

بتوانند سرزمین‌های از دست رفته را باز پس گیرند. با وجود چنین خطاهایی، منجمین هرگز از سوی شاه بازخواست نشده بلکه شاه آن را نوعی سرنوشت محتوم و غیرقابل تغییر تلقی می‌کرده است. علل تأثیرپذیری شاه عباس از منجمین را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: تلقین به وقوع حتمی پیش‌گویی‌های منجمین، پیشینه طولانی حضور منجمان در دربار پادشاهان گذشته و ارزش قائل شدن آنها برای آراء منجمان، پیش‌گویی‌های تصادفاً درست منجمین، عدم حاکمیت تفکر عقلانی در جامعه عصر صفوی، ترس از آینده و رازآلود بودن آن، فراگیر بودن استفاده از منجمین در جامعه ایران عصر صفوی. شاه‌عباس به سبب آنکه خود با شیوه کودتا علیه پدرش به قدرت رسیده بود، به هیچ‌کس اعتماد مطلق نداشت. با وجود این همواره منجمان به‌ویژه ملاجلال، ملامظفرگنابادی و پسرانش، مورد اعتماد و وثوق شاه بودند و او از ریزترین تا مهم‌ترین امور حکومتی را با آنها در میان می‌گذاشت و از نظرات مشورتی آنها استفاده می‌کرد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

منابع

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه ابن‌خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۵.
- اسفندیاری‌مهنی، زهرا، «جایگاه منجمان در دوره صفویه»، مطالعات ایرانی، سال۱۷، شماره۳٤، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
- افشانی، سیدعلیرضا و اصغر احمدی، «میزان نوگرایی وگرایش به خرافات در شهر یزد»، فصلنامه پژوهشنامه، شماره٤١، پاییز ۱۳۸۸.
- افوشته‌ای‌نطنزی، محمود بن هدایت‌الله، *نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار فی تاریخ الصفویه*، تصحیح احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
- اکبری، محمود، *خرافه و واقعیت‌ها*، تهران، فتیان، ۱۳۸۷.
- اولئاریوس، آدام، *سفرنامه‌آدام اولئاریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکار نو، ۱۳۸۵.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، *التفهیم*، به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران، انجمن آثارملی، ۱۳۵۲.
- تاورنیه، ژان باتیست، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، اصفهان، کتابخانه سنائی و کتابفروشی تایید اصفهان، ۱۳۳٦.
- ترکمان، اسکندربیگ، *تاریخ عالم آرای عباسي*، مصحح محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- جاهودا، گوستاو، *روانشناسی خرافات*، ترجمه محمدتقی براهنی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱.
- جنابدی، میرزا بیگ بن حسن، *روضة الصفویه*، بکوشش‌غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸.
- حسینی‌استرآبادی، سید حسین بن مرتضی، *از شیخ صفی تا شاه صفی*، بکوشش احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳٦٦.
- دلاواله، پیترو، *سفرنامه پیترو دلاواله*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۰.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

- دیاکونوف، ا.م، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳٤٥.
- رایگانی، ابراهیم و مهسا ویسی، «پژوهشی در وضعیت نجوم و جایگاه منجمان دوره‌ی صفویه بر اساس سفرنامه‌های سیاحان خارجی»، کتاب ماه علوم و فنون، شماره، ۱۲۲، بهمن ۱۳۸۸.
- سمیعی، محمد، «نجوم جدید و فقه»، تحقیقات اسلامی، شماره ۱و۲، تابستان ۱۳۸۳.
- شاردن، ژان، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمائی، تهران، توس، ۱۳۷۲.
- صحت‌منش، رضا و زهرا اسفندیاری‌مهنی، «مطالعه تطبیقی انقلاب نجومی و نجوم در عصر صفوی»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال۹، شماره۳۳، زمستان ۱۳۹۷.
- طاهری، ابوالقاسم، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه‌عباس*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- فارابی، محمد بن محمد، *احصاء العلوم*، ترجمه حسین خدیوجم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۹.
- فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه* (بر اساس چاپ مسکو)، بکوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره، ۱۳۸۷.
- فلسفی، نصرالله، *زندگانی شاه عباس‌اول*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳٤۷.
- قزوینی، ابوالحسن، *فواید الصفویه*، تصحیح مریم میراحمدی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳٦۷.
- کارری، جووانی فرانچسکو جملی، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- کریمی، بهزاد، *زمان نگری و کیهان باوری در عصر صفویه*، تهران، ققنوس، ۱۳۹٦.
- کمپفر، انگلبرت، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳٦۰.
- گنابادی، مظفر بن محمد قاسم، *تنبیهات المنجمین*، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۲٦۱٦-۵، قرن ۱۱.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

- لاکهارت، لارنس، *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- منجم‌یزدی، ملاجلال الدین، *تاریخ عباسی*، تهران، وحید، ۱۳٦٦.
- منشی‌قمی، احمد بن حسین، *خلاصة التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- نظامی عروضی، احمد بن عمر، *چهار مقاله*، تهران، ابن‌سینا، ۱۳٤۸.
- نلینو، کرلو الفونسو، *تاریخ نجوم اسلامی*، ترجمه احمد آرام، تهران، کانون نشر و پژوهشهای اسلامی، ۱۳٤۹.
- یزدی، حسین، «انتقال پایتخت صفویه به اصفهان؛ علل و پیامدهای آن»، رشد آموزش تاریخ، شماره۲۳ ، ۱۳۸۵.
- Roemer, Hans, *Iranian Studies*, Vol.7, No.1/2, Studies on Isfahan:Proceedings of the Isfahan Colloquium, Part I(Winter-Spring,1974).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85]

[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.85] [DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.5.1] [Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]